

فاز نخست واکسیناسیون علیه بیماری کرونا به پایان رسید و فاز دوم تزریق واکسن نیز در حال انجام است. اما وضعیت برخی شهرها و استان‌های کشور مانند استان تهران همچنان ناپایدار گزارش می‌شود. کارشناسان بهداشتی کشور از امکان فراز و فرودهای دوباره آمار ابتلا و مرگ و میر در روزهای آتی خبر می‌دهند. از این رو باید فاصله‌ها بیشتر شود و شیوه نامه‌های بهداشتی مو به مو مورد توجه قرار گیرد تا شاید در جدال بین ماندن و رفتن فاتح میدان باشیم و به زندگی طبیعی بازگردیم. حقیقت این است که در میان هیاهوی زندگی و روزمرگی، عادی انگاری و حتی تقدیری شدن برخی از ما، باز هم نام کرونا ترسناک و ابتلا به انواع جهش یافته آن همانند کابوسی دهشتناک است.

کافی است که نتیجه تست کرونا مثبت باشد تا با موجی از اما و اگرها مواجه شوی، نزدیک‌ترین خویشان و صمیمی‌ترین دوستان هم مجبور به رعایت فاصله و قرنطینه می‌شوند تا جانشان به خطر نیفتد و بتوانند از راه دور کمک رسان باشند. اما کم نیستند افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند و در صورت ابتلا از همین کمک‌های از راه دور هم محرومند. آنها کسی را ندارند تا کاسه‌ای سوپ پشت درخانه بگذارد یا داروهایشان را به دستگیره در آویزان کند.

به روایت آمار منتشر شده در سال ۱۳۹۵، بیش از دو میلیون خانوار تک نفره در ایران زندگی می‌کنند. تک زیستی شاید انتخاب اول این افراد نباشد اما بسیاری از آنها محکوم به زندگی در تنهایی هستند و این تنهایی در دوران پاندمی آنها را با مخاطرات بسیار مواجه می‌کند.

■ چه کسی مرا به بیمارستان می‌رساند

هائیه یکی از همین افراد است. سال هاست که در گوشه‌ای از تهران به تنهایی زندگی می‌کند. پدر و مادر پیرش حاضر نشدند از شهر خود دل بکنند و همراهش باشند. خواهر و برادر هم که پاگیر خانواده و فرزندان، کیلومترها دورتر از تهران زندگی می‌کنند. او که دختری پرشور و پرانرژی است از مبتلا شدنش به کرونا می‌گوید: یک روز دچار تب و بدن درد شدم. همکارانم مرا دلداری می‌دادند که موضوع مهمی نیست و کسالتی است که بزودی رفع می‌شود. اما ادامه همکاری در اداره منوط به اخذ تست کرونا بود. تست دادم و متأسفانه نتیجه آن مثبت شد. با وجود اینکه دختر بسیار قوی و خودساخته‌ای هستم اما حساسی ترسیده بودم. این ترس زمانی بیشتر شد که دوستانم تلاش می‌کردند مرا دلداری بدهند که اتفاق خاصی نیفتاده است. هریک از جملاتی که آنها برای دلداری ادا می‌کردند، مرا بیشتر می‌ترساند. از طرف دیگر نگران تنگی نفس



گزارش «ایران» از مشکلات خانوارهای تک‌نفره در مواجهه با ویروس کووید ۱۹

مصایب تنهایی در مقابله با کرونا

بودم. اگر نیاز به اکسیژن پیدا می‌کردم چه کسی مرا به بیمارستان می‌رساند. اخبار از تکمیل ظرفیت بیمارستان‌ها می‌گفت و من بدون هیچ همراهی چه کار باید می‌کردم. او ادامه می‌دهد: به هیچ وجه نمی‌خواستم مادر و پدرم از بیماری من مطلع شوند چون جان آنها هم به خطر می‌افتاد. دست آخر به پیشنهاد یکی از دوستانم با یک پزشک صحبت کردم. او برایم دارو تجویز کرد و گفت

خانواده خودش و همسرش به تنهایی زندگی می‌کند. کمال می‌گوید: زندگی در تنهایی سختی‌های خودش را دارد اما وقتی که انگیزه داشته باشی همه این سختی‌ها آسان می‌شود. البته باید بگویم دست و پنجه نرم کردن با کرونا در تنهایی بسیار سخت و طاقت فرسا است. تمام روزهایی که بیمار بودم به مرگ فکر می‌کردم. روزهای اول حتی توان خارج شدن از خانه و تهیه داروهایم را نداشتم. به سختی

از بین ۲۴ میلیون خانوار ایرانی حدود ۲۰ درصد دارای سرپرستانی با سن بیش از ۶۰ سال هستند

به هیچ وجه فضای مجازی را چک نکنم چون ترسم را افزایش می‌دهد. به گفته او ریه‌هایم سالم بود. تنها دلیل تنگی نفس من ترس و اضطراب ناشی از خواندن مطالب موجود در فضای مجازی و صحبت با برخی از دوستانم بود.

■ فقط به مرگ فکر می‌کردم

کمال هم مردی ۴۸ ساله است. همسر و فرزندش سال گذشته مهاجرت کردند. او هم تصمیم دارد بعد از بازنشستگی به آنها بپیوندد. اما حالا برای خلاصی از سرزنش

خود را تا داروخانه سرخیابان کشاندم. با وجود استفاده از دو ماسک به مسئول داروخانه گفتم که من کرونا مثبت هستم تا در صورت نیاز محیط را ضدعفونی کنند. او با رفتاری زننده داروهایم را داد که البته به او حق می‌دهم، چون جان عزیز است. با وجود اینکه بسیاری از ما همیشه ناله می‌کنیم و می‌گوییم بمیریم از این دنیا راحت شویم اما هنگام مواجهه با مرگ همه به دنبال راه فرار هستیم. کمال ادامه می‌دهد: فکر مرگ لحظه‌ای رهایم نمی‌کرد. خودم را مرده روی تخت تصور

می‌کردم که همسایه‌ها از بوی تعفنم مرا پیدا کرده‌اند. رنج بیماری از یک سو، تهیه مایحتاج زندگی و از همه بدتر فکر مرگ در تنهایی انسان را در شرایط جان‌کندن قرار می‌دهد. تجربه تلخی که امیدوارم هیچ کس آن را تجربه نکند.

■ یأس و ناامیدی در سایه جولان کرونا

بیش از یکسال است که ویروس کرونا بر زندگی ما سایه انداخته و توانسته با اخلال در روند زندگی انسان‌ها، نشاط اجتماعی و شور زندگی را در جامعه کمرنگ کند. در مقابل اما ناامیدی و یأس در روح و روان انسان‌ها بخصوص آنهایی که به تنهایی زندگی می‌کنند و از حمایت خانواده محرومند، ریشه دوانده است. این گروه از جامعه که تقریباً هشت و نیم درصد کل خانوارهای کشور را تشکیل می‌دهند در مواجهه با این بیماری دچار مشکلات روانی و جسمی بیشتری می‌شوند.

شهلا کاظمی پور جامعه‌شناس با اشاره به آمار منتشر شده در سال ۱۳۹۵ در کشور به «ایران» می‌گوید: به‌طور کلی حدود ۲۴ میلیون خانوار در ایران زندگی می‌کنند. از این تعداد نزدیک به دو میلیون خانوار تک نفره هستند که حدود ۶۰۰ هزار نفر آنها مرد و یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را زنانی تشکیل می‌دهند که به تنهایی زندگی می‌کنند. در واقع می‌توان گفت که خانوارهای یک نفره زن سرپرست در ایران دوبرابر تعداد خانوارهای مرد سرپرست هستند.

او می‌افزاید: از بین ۲۴ میلیون خانوار ایرانی حدود ۲۰ درصد دارای سرپرستانی با سن بیش از ۶۰ سال هستند. این رقم عددی معقول است. اما هنگامی که از بین خانوارهای تک نفره ۵۴ درصد یعنی یک میلیون و ۱۰۲ هزار خانوار را افرادی تشکیل می‌دهند که سن آنها بیش از ۶۰ سال است باید کمی تأمل کرد. وقتی بیشتر به جزئیات توجه می‌کنیم می‌بینیم که از این تعداد نزدیک ۲۰۰ هزار نفر مرد و حدود ۹۰۰ هزار نفر زن هستند، این یعنی افرادی در جامعه هستند که هنگام مواجهه با بحران‌هایی نظیر کرونا با مشکلات و معضلات بیشتری مواجه می‌شوند. البته تنها زندگی کردن با وسایل ارتباط جمعی کنونی مانند گذشته نیست و بسیاری از امور را سهل کرده اما افرادی که ارتباطات ضعیفی دارند و استفاده از وسایل ارتباطی امروزی را نیاموخته‌اند قطعاً دچار مشکلات جدی خواهند شد.

این جامعه‌شناس می‌گوید: ممکن است افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند در هنگام ابتلا به بیماری کرونا از عهده انجام امور مربوط به خود برنیایند و جانشان به خطر بیفتد. از این رو جامعه نسبت به آنها مسئولیت دارد و باید برای اطلاع از وضعیت آنها و ساماندهی امورشان تدابیر ویژه‌ای بیندیشد. تشکیل گروه‌های مردمی محله محور و همچنین کمپ‌های بهداشتی در محلات می‌تواند مشکل بسیاری از خانوارهای تک سرپرست جامعه را رفع کند.